

چه سودی برده اید

از تکفیر من

سایهٔ مژگان کیست ای خدا! دستگیر من
یا خیال قامتش راه بردِ تقدیر من
در خواب دیدم خضروالیاس را آینه دار
کز شعاع معرفت خط زد بر تقصیر من
دل چو از دستم رفت از صاحب‌دل گیرم کمک
تا دست غیب آب دهد مجمر تخمیر من
آشفته‌گیهاست ترجمان محرومی ام
کیست؟ به اورسند قصه های زنجیر من
بر سرشتم آب دهن اندازید، عاقلان
کز حناء غیر، خون گریست شیون شبگیر من
عرضهٔ رنگهاست دکاکین نو آراسته
راست گوئی چه سودی برده اید از تکفیر من؟
حجت هادارم از عهد آدم تا به خاتم
ناشناسی را تو آوردی در تکفیر من
در تاریکستان عقلت چه بر من تاخته ای
ای بی خبر از تأویل و فهم و تفسیر من
خدا بیگانگی ات زمین گیرم کرده است
تا عرش اعلی رفت ناله ها و نفیر من

وصله ها، ناجور بستند بر قباء دین ما
چیست بگو بعد ازین تدبیر من ، ای پیر من؟
غبار آرزو را بر سجده ات نیست گزاری
نفرت دارد حتی از دیدنت تصویر من
باورم بر رکوعت ندارد گرد افشانی
تظلم تا کجاها افشانده غبار تحقیر من
از شک قیامت شور قیامت است به پا
جهاد فریاد دارد! چیست سوژه تکبیر من
در راه خدارفتن، پرهیز است شرط خلوص
تقوا نباشد حاصلت نیست جز تشهیر من
قلب جهاد آنراست که باشد ش جهاد نفس
جاهد است آن که بر خاک آمیزد اکسیر من
از شکست شیشه ، کمان دل بست نشانه
بر سینه، رسد از قد خمیده تیر من
ننگ ناموس عقل و دین است این کارزار تو
نقش مخملت نیست برابر با حصیر من
بر کلیمی باشد سازت سرود معصیت
بر تو گویند بشنو، تقدیس از مزامیر من
فروغ عقل سلیم راه کشای منزل است
گر لحظه ای داری تدبیر بر تقریر من
لندن - م . ش . فروغ

2014/02/18

دکاکین :ج دکان تکفیر : مجهول ساختن

این شعر شکایت از اسلام گرایان سیاسی و گم کرده راهان وادی جهل است. مخصوصا ابیات ششم و بعدین انتقاد و اعجاب است بر تکفیری ها و گروه های ازین قماش که با فتاوی گچی کننده ای مثل جهاد نکاح و تطبیق آن که مو را به اندام آدمی راست می کند و غیره روایات خود ساخته در دکان داری دینی گروه های حوزه ئی و قاره ای وصله های ناجور را بر پیکر اسلام حنیف بسته اند و متأسفانه علماء جهان خاموش و تماشاگر اند. تا به کی پای یک انسان عاجز و کم فهم ویا عاشق به غیب بلغزد و ایشان به خون آن سبیل چرب کنند. کسانی را دیده و شنیده ام که به ادیان دگر رو آورده اند و از اعمال تکفیری ها و فتوای وهابی ها و سلفی ها که مخصوصاً در جنگ سوریه داده اند، از اسلام رو گردانده اند.. جای تعجب است که آنها خود را مسلمان کامل میدانند و دیگران را تکفیر می کنند . جهاد نکاح یعنی فحشای رسمی . اگر بهتان است چرا در همان سایت ها تکذیب نمیکنند . به قرار احصائیه های نشر شده تعداد بیدینان از مرز یک ملیارد گذشته است. از حافظ به خاطر تسکین درد.

سینه مالا مال درد است ای دریغا مرهمی

دل زتنهایی به جان آمد خدا را همد می

چشم آسایش که دارد از سپهر کجرو؟

ساقیا جامی به من ده تا بیاسایم دمی

آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست

عالم دگر بیاید ساخت و از نو آدمی